

شواهد نحوی شعری در کشف الاسرار

دکتر سعید واعظ

دانشگاه علامه طباطبائی

چکیده:

تفسیر کشف الاسرار و عدة الابرار، معروف به تفسیر خواجه عبداللّه انصاری، شیواترین تفسیر عرفانی است که حنّه دلاویز ادب پارسی بر تن دارد. این تفسیر که به سبک مفسرین عامه نگارش یافته، از اوایل قرن ششم (۵۲۰ هـ) به یادگار مانده است. از ویژگیهای سبکی این تفسیر که شیرینی آن را دو چندان کرده، استناد به اشعار زیبا و لطیف عربی و فارسی می‌باشد. در این تفسیر حدود هشتصد بیت شعر عربی مناسب حال و مقال آمده است که آنها را می‌توان تحت مقوله‌های: نحو، لغت، قرائت، بلاغت، دین، ادب، تاریخ و... مورد بررسی و تحلیل قرارداد. نگارنده این سطور در این مقاله با بضاعت مزجاة خود به ترجمه و تعیین منابع و مستندات شواهد نحوی شعری کشف الاسرار پرداخته، بخش اول آن در شماره ۲۸ همین پژوهشنامه تقدیم گردید و اینک بخش دوم و پایانی آن تقدیم می‌گردد. در خاتمه امیدوار است خوانندگان فاضل هر سهو و زلتی را که مشاهده نمایند با عین رضا و نظر خطاپوش ملاحظه فرمایند.

بخش دوم

إِنَّ الْخَلِيفَةَ إِنَّ اللَّهَ سَرَبَلُهُ سِرْبَالٌ مُلْكِيٌّ بِهِ تُرْجَى الْخَوَاتِيمُ

این بیت از جریر است در قصیده‌ای به مطلع:

أَوَاصِلُ أَنْتَ سَلَمِيٌّ بَسْعَدٌ مَعْتَبِيٌّ أُمُّ صَارِمِ الْحَبْلِ مِنْ سَلَمِيٍّ فَمَصْرُومُ

(جریر، ص ۵۹۲)

که در آن عبدالعزیز بن الولید بن عبدالملک را مدح می‌کند. بیت مذکور در دیوان به صورت:

يَكْفِي الْخَلِيفَةَ إِنَّ اللَّهَ سَرَبَلُهُ سِرْبَالٌ مُلْكِيٌّ بِهِ تُرْجَى الْخَوَاتِيمُ

ضبط شده است. کلمه «إزجاء» از ریشه «رَجِي» به معنی پیش راندن، نرم راندن و بسربردن و «خواتیم» به معنی فرجام نیک و خوش است. بنابراین در هر دو صورت معنی بیت چنین

خواهد بود: «خداوند بر خلیفه جامه شاهی پوشانید امید است خوش فرجام باشد». شاهد بیت در «إِنَّ» دوم است که خبر «إِنَّ» اول است و رابط، ضمیر موجود در «سَرَبَلَهُ» است و فتح همزه «إِنَّ» در اینجا جایز نیست، چون در اصل چنین است: إِنَّ الخَلِيفَةَ سَرَبَلَهُ، و خبر دادن به حدیثی از اسم العین درست نیست و بنابراین وجوباً مکسور شده است. (بدیع یعقوب، ج ۲، ص ۸۸۳)

قرطبی در تفسیر خود ذیل آیه ۱۷ سوره الحج: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِغِينَ وَالنَّصَارَى وَالْمَجُوسَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ...» می نویسد: إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ... خبر: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا...» است هم چنانکه گفته می شود: «إِنَّ زَيْدًا إِنَّ الْخَيْرَ عِنْدَهُ». فراء گوید: وَلَا يَجُوزُ فِي الْكَلَامِ: إِنَّ زَيْدًا إِنَّ أَخَاهُ مُنْطَلِقٌ وَزَعَمَ أَنَّهُ إِنَّمَا جازفِي الْآيَةِ. لَأَنَّ فِي الْكَلَامِ مَعْنَى الْمَجَازَاةِ، أَي مَنْ آمَنَ وَمَنْ تَهَوَّدَ أَوْ... يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ وَحَسَابُهُمْ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى. أبو إسحاق براین سخن فراء ایراد گرفته و این حرف «لَا يَجُوزُ» را از فراء زشت شمرده است و گفته هیچ فرقی بین: إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا... و إِنَّ زَيْدًا إِنَّهُ مُنْطَلِقٌ نیست و «إِنَّ» می تواند خبر برای «إِنَّ» باشد (سالم مکرّم، ۲۷۸۸).

رَأَيْتُ ذَوِي الْحَاجَاتِ حَوْلَ بُيُوتِهِمْ قَطِينًا لَهُمْ حَتَّى إِذَا أَنْبَتَ الْبَقْلُ

۶/۴۳۲

تا زمانی که گیاه روید نیازمندان را مقیم در خانه‌های ایشان دیدم.

بیت از زهیر بن ابی سلمی است در قصیده‌ای به مطلع:

صَحَا الْقَلْبُ عَنْ سَلْمَى وَ قَدْ كَادَ لَا يَتَسَلَّوْ

وَ أَقْفَرَ مِنْ سَلْمَى النَّعَانِيقُ وَ الثُّقْلُ

(ابن ابی سلمی، ص ۹۶)

زهیر در این قصیده سنان بن ابی حارثه مرّی را مدح می کند و شاهد در «أنبت» است که با این

که از باب «إفعال» است به معنی «نبت» یعنی ثلاثی مجرد به کار رفته است (ابن ابی سلمی، ص

۱۱۱؛ شریف، ۲/۱۸)

وَرَأَيْتُ زَوْجَكَ فِي الرَّغَى

مُتَقَلِّدًا سَيِّفًا وَرُمْحًا

۷/۱۰

صدر این بیت که به صورت «بالیّت زَوْجَكَ فِي الرَّغَى» و «یا لیت زَوْجَكَ قَدَغدا» نیز روایت شده در آمالی مرتضی «۱/۵۴»، خزانه‌الادب «۲/۲۳۱، ۳/۱۴۲»، تأویل مشکل القرآن «۲۱۴» و الکامل «۱/۲۶۴» - بدون ذکر گوینده - و در ایضاح شواهد الإيضاح «۱/۲۴۵» - با اسناد به عبدالله بن الزبیری - آمده است. گوید: شوهر تو را دیدم که در جنگ شمشیر و نیزه حمایل کرده‌است.

شاهد در «و رُمحاً» است که به عامل محذوف منصوب شده است یعنی: «مُتَقَلِّدًا رُمْحًا»؛ چون «تَقَلَّدَ الرُّمْحَ» جایز نیست. ولی اگر «مُتَقَلِّدًا» به معنی (حامل) باشد جایز است، همانند قول علقمة:

تَرَاهُ كَأَنَّ اللَّهَ يَجِدَعُ أَنْفَهُ وَ عَيْنِيهِ إِنْ مَوْلَاهُ ثَابَ لَهُ وَفُرُ
یعنی: يَفْقَهُ عَيْنِيهِ (القيسي)، ۱/۲۴۶؛ بدیع يعقوب، ۱/۱۶۲؛ سالم مكرم، ذيل رقم
۱۹۹۲، ۲۰۹۷، ۲۱۰۳، ۲۱۴۷، ۲۱۴۸

وَ كُنْ لِي شَفِيعًا يَوْمَ لَأَدُوشَفَاعَةَ

بِمُعْنٍ فَتِيلاً عَنِ سَوَادِ بْنِ قَارِبٍ

۷/۱۶۸

بیتی است از مقطوعه‌ای چهاربیتی از سوادبن قارب السدوسی الصحابی که این ابیات را پیش پیغامبر خواند و ماقبل آن چنین است:

وَ أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ لَارَبَّ غَيْرُهُ وَإِنَّكَ مَأْمُونٌ عَلَى كُلِّ غَائِبٍ
وَإِنَّكَ أَدْنَى الْمُرْسَلِينَ وَسَيْلَةٌ إِلَى اللَّهِ يَا بَنَ الْأَكْرَمِينَ الْأَطَائِبِ
فَمُرْنَا بِبَيَايَتِكَ مِنْ وَحْيِ رَبِّنَا وَإِنْ كَانَ فِيمَا حَيْثُ شِيبُ الدَّوَابِّ

الجامع الشواهد ۳/۱۹۰

این بیت که در تطبیقات النحوية «۱/۵۸»، البداية و النهاية «۲/۴۱۰»، فتح القریب «۴/۲۹۲» نیز اسناد آن به سوادبن قارب السدوسی داده شده است، شاهد است بر «با» زاید - که بر خبر «لا» نافی‌ای که عمل لیس را انجام می‌دهد داخل می‌شود. (بدیع يعقوب، ۱/۱۱۱؛ محمد حسن شراب، ۱۶۴)

می‌گوید: برای من در روزی که هیچ صاحب شفاعتی سوادین قارب را به مقدار رشته خرمائی بی نیاز نکند، شفاعت کننده باش.

فَمَنْ يَهْجُوا رَسُولَ اللَّهِ مِنْكُمْ وَيَمْدَحُهُ وَيَنْصُرُهُ وَيَنْصُرُهُ سَوَاءٌ

۷/۳۸۶

آیا آن که رسول خدا را هجو می‌گوید با آن که او را مدح گفته و یاری می‌کند، برابر هستند؟ این بیت از حسان است در قصیده‌ای که روز فتح مکه سروده به مطلع:

عَفَّتْ ذَاتُ الْأَصَابِعِ فَالْجِوَاءُ إِلَى عَدْرَاءَ مَنَزِلِهَا خَلَاءُ

(ابن ثابت الانصاری، ۱/۱۸)

شاهد بیت در «وَيَمْدَحُهُ» است که اسم موصول به قرینه حذف شده و «مَنْ» در تقدیر است: «وَمَنْ يَمْدَحُهُ» (بدیع یعقوب، ج ۱، ص ۲۲)

قرطبی در ذیل آیه: «وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ» سوره عنکبوت آیه ۲۲، ضمن استشهاد به این بیت حسان، از قول فراء می‌نویسد، معناه: «وَلَا مَنْ فِي السَّمَاءِ بِمُعْجِزِينَ لِلَّهِ» (سالم مکرم، ذیل رقم ۲۸۴۱)

أَهَابَكَ إِجْلَالًا وَمَا بِكَ قُدْرَةٌ عَلَيَّ، وَلَكِنْ مِْلَةٌ عَيْنٍ حَبِيْبِهَا

۷/۵۱۱

ای معشوق تو تمام چشم منی و تو رانه از ترس، بل به ارزش والایی که داری، گرامی می‌دارم. این بیت از مجنون بنی عامر است در مقطوعه‌ای هفت بیتی به مطلع:

أَلَا يَا طَبِيبَ النَّفْسِ أَنْتَ طَبِيبُهَا فَرَفَقًا بِنَفْسٍ قَدْ جَفَّاهَا حَبِيبُهَا

(بنی عامر، ۴۳)

این بیت که در التطبيقات النحویة «۱/۱۱۹» و معجم لآلی الشعر «۵۲» اسناد آن به نصیب بن رباح الأکبر از شعرای بنی مروان داده شده است، شاهد است بر این که خبر و جویاً مقدم بر مبتدا شده است. یعنی «مِْلَةٌ عَيْنٍ» - که خبر است - مقدم بر «حَبِيبٌ» شده که مبتدا است و عُلْتُ تقدم، ضمیر «ها» است که در «حَبِيبُهَا» وجود دارد و به «عَيْنٍ» بر می‌گردد. البته در بیت شاهد دیگری نیز وجود دارد و آن عبارت از تقدم نفی بر مبتدای نکره و خبر جار و مجرور است (بدیع یعقوب، ج ۱، ص ۸۴ و الدناع، ج ۱، ص ۱۲۰)

تَحْنُ الَّذِينَ بَاتِعُوا مُحَمَّدًا عَلَى الْجِهَادِ مَا بَقِينَا أَبَدًا

۸/۱۸

ما کسانى هستیم که تا زنده‌ایم با محمد «ص» دست بیعت و یاری داده‌ایم. در البداية و النهاية، جلد ۴، ص ۱۱۰ بدون ذکر گوینده بیت آمده است: وقتی مهاجران و انصار اطراف شهر مدینه خندق می‌کنند و خاک آن را در پشت‌های خود حمل می‌کردند این بیت را می‌خواندند. شاهد بیت در برگشتن ضمیر غائب است به «الَّذِينَ» - یعنی «بَاتِعُوا» - برای مراعات لفظ، و همچنین در برگشتن ضمیر متکلم - یعنی «بَقِينَا» - برای مراعات معنی. (بدیع یعقوب، ج ۳، ص ۱۱۴۱)

سَبُدَى لَكَ الْأَيَّامُ مَا كُنْتُ جَاهِلًا وَيَأْتِيكَ بِالْأَخْبَارِ مَنْ لَمْ تُزَوِّدْ

۸/۲۴۵

به زودی روزگار از آنچه غافل مانده‌ای تورا آگاه خواهد کرد و کسی که او را آماده نکرده‌ای اخبار را به تو می‌رساند.

از معلقة معروف طرفة بن العبد است به مطلع:

لِخَوْلَةٍ أَطْلَلْتُ بِبُرُوقَةِ نُهْمِدٍ تَلُوحُ كِتَابِي الْوَشْمِ فِي ظَاهِرِ الْبَيْدِ

(ابن العبد ص ۱۹)

این بیت که در شرح شواهد المغنی «۲/۸۰۲»، الجامع الشواهد «۲/۴۵» و نهاية الأرب «۳/۶۳» نیز اسناد آن به طرفة داده شده، شاهد است بر حذف عائد «ماء» موصوله - که مضاف الیه و محلاً مجرور است - یعنی: مَا كُنْتُ جَاهِلًا. البته در بیت شاهد دیگری نیز بر حذف عائد موصول هست و آن در «مَنْ لَمْ تُزَوِّدْ» است؛ به این صورت که عائد منصوب به فعل «تُزَوِّدْ» حذف شده است و تقدیر آن چنین است: «يَأْتِيكَ بِالْأَخْبَارِ الَّذِي لَمْ تُزَوِّدْ» (بدیع یعقوب، ج ۱، ص ۲۸۱)

طَلَبُوا صَلْحَنَا وَلَاتِ أَوَانٍ فَأَجَبْنَا أَنْ لَيْسَ حِينَ بَقَاءِ

۸/۳۲۱

خواستند با ما آشتی کند و هنگام آشتی نبود، پس جواب دادیم که اکنون هنگام آشتی - و ماندن در صلح - نیست.

در تفسیر مجمع البیان «۸/۳۴۲»، الجامع الشواهد «۲/۷۸»، تفسیر قرطبی «۱۵/۱۴۷»، لسان العرب «۱۳/۴۰» ذیل ماده «أون»، شرح الرضی علی الکافیة «۲/۱۶۸» و شرح شواهد المغنی «۲/۶۴۰» اسناد بیت به ابوزبید الطائی - که اسمش حرمله بن المنذر بن معدی کرب است - داده شده است.

شاهد در مجرور بودن «أوان» به «لات» است که البته به صورت «ولا تأوان» هم روایت شده؛ که در این صورت شاهد بر آمدن تاء زائد در اول «أوان» است، هم چنانکه در اول «الآن» آمده و «تالآن» و «تلان» خوانده شده است (بدیع یعقوب، ج ۱، ص ۲۵)

وَمَنْ هَابَ أَسْبَابَ الْمَنَائَا يَنْتَنَّهُ وَلَوْ رَامَ أَسْبَابَ السَّمَاءِ بِسَلَمٍ

۸/۳۲۳

هر کس از اسباب مرگ بترسد سرانجام مرگ به سراغ او خواهد آمد هر چند با نردبان به اطراف آسمان بالا رود.

بیت از معلقه مشهور زهیر بن ابی سلمی است به مطلع:

أَيْنَ أُمَّ أَوْفَى دِمْنَةٌ لَمْ تَكَلِّمْ بِحَوْمَانَةِ الدَّرَاجِ فَالْمَنْتَلَمِّ

(ابن ابی سلمی، ص ۴)

این بیت در کتاب های نحوی از باب مبالغه شاهد آمده بر این که کسی که از مرگ «بیشتر» بترسد «زودتر» به سراغ او می آید (بدیع یعقوب، ج ۲، ص ۹۴۱)

بَلَّغْنَا السَّمَاءَ فِي مَجْدِنَا وَ عُلُونَا وَإِنَّا لَنَرْجُو فَوْقَ ذَلِكَ مَظْهَرًا

۹/۶۷

در بزرگی و عظمت به آسمان رسیدیم و امیدواریم بالاتر از آن برویم.

این بیت از قصیده نابغه الجعدی است به مطلع:

حَلِيلِي غُضًّا سَاعَةً وَ تَهَجَّرَا وَلَوْ مَا عَلَيَّ مَا أَحَدَتِ الدَّهْرُ أَوْ ذَرَا

(الجعدی ص ۵۴)

صدر بیت مورد بحث، در منابع مختلف، به روایت‌های گوناگون آمده است. در کشف زمخشری «۳/۲۶»، العقد الفرید «۱/۲۶۹»، الأغانی «۵/۱۰»، الحماسة البصریة «۱/۲۰» و خزانه الأدب «۳/۱۶۹» به صورت «بلغنا السماء مجدنا و سناونا» و در همان صفحه «خزانه» به روایت عبدالله بن جراد به صورت «علونا علی طر العباد تکرمأ» و در مجمع البیان «۶/۷۸» و در دیوانش «ص ۵۴» به صورت «بلغنا السماء مجدنا و جدودنا» آمده است.

آورده‌اند نابغه بر پیغمبر «ص» وارد شده و این قصیده را خدمت پیغمبر عرضه نمود، وقتی به این بیت رسید، پیغمبر «ص» فرمود: «یا ابا لیلی کجا می‌روی؟ نابغه جواب داد: به بهشت. پیغمبر «ص» فرمود: «ان شاء الله. وقتی نابغه ادامه داد و به این بیت رسید:

وَلَاخَيْرَ فِي حِلْمٍ إِذَا لَمْ تَكُنْ لَهُ
يَوَادِرُ تَحْمِي صَفْوَهُ أَنْ يُكَدَّرَا

پیغمبر «ص» فرمود: «پیرنشوی و دندان‌هایت نریزد. صد و سی سال عمر کرد و دندانی از او نریخت. (الاندلسی، ۱/۲۹۹؛ البصری، ۱/۲۰).

همچنان که خوانندگان محترم استحضار دارند، یکی از شرایط بدل این است که اسم ظاهر از اسم ظاهر بدل می‌شود و ضمیر از ضمیر بدل نمی‌شود و در مثالهای: قُمت أنت، وَ مَرَرْتُ بِكَ أنت، تأکید است نه بدل. اما بدل شدن اسم ظاهر از ضمیر غائب جاثز است، همانند آیه شریفه: «وَأَسْرُوا النَّجْوَى، الَّذِينَ ظَلَمُوا» (۳/۲۱) که «الذین» از «واو» که ضمیر فاعل است بدل شده است و همچنین است اسم ظاهر از ضمیر مخاطب و متکلم که به شرط اینکه بدل بعض از کلّ یا بدل اشتمال باشد، بدل واقع می‌شود. مثال برای ضمیر مخاطب آیه شریفه «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ، لِمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ» (۲۱/۳۳) می‌باشد که «مَنْ» در «لِمَنْ» جار و مجرور، از ضمیر «كُم» بدل شده و آن بدل بعض از کلّ است؛ چون أسوة حسنة در رسول الله برای تمام مخاطب‌ها نیست، بلکه برای کسی است که امیدوار به خداوند و روز قیامت باشد. مثال دَوَم مانند: «أَعْجَبْتَنِي عِلْمُكَ» است که «علم» بدل از «تاء» است - که ضمیر فاعل است - و آن بدل اشتمال است. بنابراین اگر بیت مورد بحث را مرفوع، یعنی «مجدنا و علونا» بخوانیم بدل اشتمال از ضمیر «نا» در «بلغنا» خواهد بود و اگر منصوب بخوانیم - که بعضی خوانده‌اند - در این صورت «مجدنا و ...» مفعول به فعل «بلغنا» خواهد بود (محمد حسن شراب، ص ۱۷۳)

خَلِيلِي مُرَابِي عَلِيَّ أُمَّ جَنْدَبِ
لِنَقْضِي حَاجَاتِ الْفَوَادِ الْمُعَدَّبِ
أَلَمْ تَرَأَيْ كَلِمًا جِئْتُ طَارِقًا
وَجَدْتِ بِهَا طِبَاءً وَإِنْ لَمْ تَطْيَبِ

۹/۲۸۹

این دو بیت مطلع و بیت سوّم قصیده‌ای غزّاء از امرؤ القیس است که با مختصر اختلاف در ثبت کلمات، به شرح زیر در دیوانش مسطور است:

خَلِيلِي مُرَابِي عَلِيَّ أُمَّ جَنْدَبِ
نُقِصَّ لُبَانَاتِ الْفَوَادِ الْمُعَدَّبِ
أَلَمْ تَرِيَانِي كَلِمًا جِئْتُ طَارِقًا
وَجَدْتُ بِهَا طِبَاءً وَإِنْ لَمْ تَطْيَبِ

(امرؤ القیس ص ۶۴)

ای یاران مرا برای برآوردن خواسته‌های دل رنج‌دیده‌ام نزد ام‌جندب ببرید، آیا نمی‌بینی (نمی‌بینید) که من هر وقت شبانگهان پیش او می‌روم، بوی خوش به کارنا برده، از او خوشبوئی می‌یابم.

این دو بیت که در بعضی از کتاب‌های نحوی نیز آمده است اگر به صورت «تریانی» باشد شاهدهی در آن نیست ولی اگر به صورت «ترأئی» باشد - همچنان که در کشف الاسرار آمده - خطاب مثنی به صیغه مفرد خواهد بود (بدیع یعقوب، ج ۱، ص ۱۳۳)

إِنْ تُغْفِرِ اللَّهُمَّ تُغْفِرْ جَنًّا
وَأَيَّ عَسْبَدٍ لَكَ لَا أَلَمًا

۹/۳۶۵

خدایا اگر می‌آمرزی همه گناهان را بیامرزد و إلا کیست که گناه کوچک نکرده باشد. در گوینده این بیت اختلاف است. با این که در دیوان امیه بن ابی الصلت «ص ۱۱۴» آمده، اما در الجامع الشواهد «۱/۲۳۱»، شرح أشعار الهذليين «۳/۱۳۴۶» و شرح و شواهد المغنی «۲/۶۲۵» اسناد آن را به ابوخرّاش الهذلی داده‌اند.

شاهد بیت در دخول «لاء» نافیّه بر فعل ماضی است که به معنی «لم» + فعل مضارع است یعنی: لم یُلَمَّ، همانند آیه شریفه: فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ «البلد: آیه ۱۲»، یعنی: لَمْ يَقْتَحِمَهَا (بدیع یعقوب، ۳/۱۲۵۶).

فَإِنْ تَسْأَلُونِي بِالنِّسَاءِ فَإِنِّي
بَصِيرٌ بِأَدْوَاءِ النِّسَاءِ طَبِيبٌ

۱۰/۲۲۴

اگر از من از [احوال] زنان می‌پرسید من طیب حاذقی در احوال زنان هستم.
این بیت از مفضّلیه معروف علقمة بن عبّدة بن النعمان بن قیس است به مطلع:

طَحًا بِكَ قَلْبٌ فِي الْحِسَانِ طَرُوبٌ بُعِيدُ الشَّبَابِ عَصْرًا مَشِيبٌ

(ابن میمون، ۱/۲۰۰؛ المفضل بن محمد الضبی ص ۳۸۲)

علقمة در این قصیده حارث بن جبلة الغسانی را مدح گفته و درخواست آزادی برادرش شأس بن عبده را که در اسارت او بود کرده است. حارث سخت تحت تأثیر این قصیده مخصوصاً «فَحَقُّ لِي شَأْسٍ مِنْ نَدَاكَ ذُنُوبٌ» قرار گرفته و دستور به آزادی برادر او داده است (المفضل بن محمد الضبی، ص ۳۸۲؛ ابن اثیر، ۱/۵۴۵).

اسناد این بیت را که در بیشتر منابع از قبیل التمثیل و المحاضرة «ص ۵۴»، مجمع البیان «۷/۳۰۵»، عیون الأخبار «۴/۴۵»، تاریخ ابن اثیر «۱/۵۴۵»، تفسیر قرطبی «۱۳/۶۳» و البیان «۳/۵۷۴» آمده، به علقمة بن عبده داده‌اند.

شاهد بیت برای «بالنساء» است که «باء» به معنی «عن» به کار رفته و آن غالباً بعد از سؤال است مانند: سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ «المعارج آیه: ۱»، فَاسْأَلْ بِهِ خَبِيرًا «الفرقان: آیه ۵۹» (محمد حسن شراب، ۱۶۰؛ بدیع یعقوب، ۱/۸۵؛ سالم مکرم، رقم ۲۹۵۸).

تَدَكَّرْتُ لَيْلِي فَأَعْتَرَنِي صَبَابَةٌ وَكَادَ ضَمِيرُ الْقَلْبِ لَا يَنْقَطِعُ

یاد لیلی کردم و شور و شوق، تمام بدنم را فراگرفت و نزدیک بود [از خوشحالی بند] دلم پاره شود.

این بیت که بدون اسناد در تفسیر قرطبی «۲۰/۵۹» آمده است شاهد است بر «لا»ء زانده که قبل از خبر «کاد» می‌آید و نادر است (بدیع یعقوب، ج ۱، ص ۵۲۹)

نَحْنُ بَنَاتُ طَارِقٍ نَمْسِي عَلَى النَّمَارِقِ

۱۰/۴۵۱

مطلع مقطوعه‌ای چهاربیتی است که ابن قتیبة نسبت این رجز را به هند دختر عتبة بن ربیعة بن عبدشمس، مادر معاویه، داده است و از طارق ارادة ستاره کرده و پدر خود را در علو مکان به

ستاره تشبیه کرده است و آورده‌اند رجز از بنت طارق بن بیاضه است که از قبیله ایاد بود و ابیات را در جنگی که میان فرس و ایاد اتفاق افتاد، سرود (السیوطی، ج ۲، ص ۸۰۹)

بیت‌های بعدی مقطوعه که در منابع و مصادر مختلف با روایتهای گوناگون آمده، به نقل از شرح شواهد المغنی، ج ۲، ص ۸۰۹ چنین است:

وَالدَّرُّ فِي المَخَائِقِ	المِسْكُ فِي المَفَارِقِ
وَنَفْرُشُ النَّمَارِقِ	إِنْ تُقْبِلُوا نُعَائِقِ
فَإِرَاقٌ غَيْرُ وَاِمِقِ	أَوْ تُدْبِرُوا نُفَارِقِ

این بیت‌ها که در آغانی، ج ۱۲، ص ۳۳۸؛ أعيان الشيعة، ج ۱، ص ۲۵۵؛ حياة الحيوان الكبرى ج ۲، ص ۲۱۵؛ الجامع الشواهد، ج ۳، ص ۵۹ و فتح القريب، ج ۳، ص ۳۹۰ نیز آمده‌است، شاهد است بر وقوع جمله اختصاص - که «بنات طارق» باشد - میان مبتدا و خبر - که «نحن» و «نمشی» باشد؛ که جازز است (بدیع یعقوب، ج ۳، ص ۱۲۰۹).

می‌گوید: ما دختران طارق بر فرش دیبا گام نهیم، مشک بر سر و دُر به گردن آویخته داریم، اگر شما مردان روه جنگ آرید شما را در آغوش کشیم و زیر پایتان فرش‌های دیبا در اندازیم و اگر پشت به دشمن کنید و بگریزید از شما دوری جویم، گویی که شما را دوست نداریم.

* * *

منابع و مأخذ:

- ابن اثیر، الكامل فی التاريخ، بیروت: دار صادر و دار بیروت، ۱۳۸۵ هـ / ۱۹۶۵ م.
- ابن ابی الصلت، امیه، دیوان، تحقیق دکتر سجع جمیل الحیلی، بیروت: دار صادر، ۱۴۱۸ هـ / ۱۹۹۸ م.
- ابن ابی ربیعہ المخزومی، عمر، شرح دیوان، تحقیق محمد محیی الدین عبدالحمید، بیروت: دارالاندلس، ۱۴۱۸ هـ / ۱۹۹۷ م.
- ابن ابی طالب، الامام علی، دیوان، تحقیق استاد نعیم زرزور، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۸ هـ / ۱۹۹۸ م.
- ابن ابی سلسی، زهیر، شرح دیوان، تحقیق احمد بن یحیی بن زید الشیبانی ثعلب، قاهره: مطبعة دارالکتب المصریه، ۱۹۹۵ م.
- ابن القاسم القالی البغدادی، اسماعیل، کتاب الامالی، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۶ هـ / ۱۹۹۶ م.

- ابن العبد، طرفه. دیوان. تحقیق مهدی محمد ناصرالدین. بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۷ هـ / ۱۹۸۷ م.
- ابن ثابت الانصاری، حسان. دیوان. تحقیق دکتر عمر فاروق الطباع. بیروت: دارالقلم، للطباعة والنشر و التوزیع، بی تا.
- ابن خلکان. وفيات الأعيان و أبناء أبناء الزمان. تحقیق احسان عباس. بیروت: دارصادر و دارالثقافة، بی تا.
- ابن ربیعۃ العامری، لیبید. دیوان. بیروت: دارصادر، بی تا.
- ابن عقیل. شرح ابن عقیل. تحقیق محمد محیی الدین عبدالحمید. قاهره: مکتب الشعاده، ۱۳۸۵ هـ / ۱۹۶۵ م.
- ابن عمر البغدادی، عبدالقادر. خزانه الادب و لب لباب لسان العرب. تحقیق عبدالسلام محمد هارون. قاهره: دارالکاتب العربی للطباعة و النشر، ۱۳۸۷ هـ / ۱۹۶۷ م.
- ابن قتیبه. عیون الاخبار. مطبعه دارالکتب المصریه. قاهره: ۱۳۴۸ هـ / ۱۹۳۰ م.
- ابن قتیبه. تاویل مشکل القرآن. تحقیق احمد صقر. مدینه: المکتبه العلمیه، ۱۴۰۱ هـ / ۱۹۸۱ م.
- ابن قیس الرقیات، عبیدالله. دیوان. تحقیق دکتر عزیزه قوال بابتی. بیروت: دارالحیل، ۱۴۱۶ هـ / ۱۹۹۵ م.
- ابن منظور. لسان العرب. بیروت: دارصادر و دار بیروت، ۱۳۸۸ هـ / ۱۹۶۸ م.
- ابن میمون، محمد بن المبارک بن محمد. منتهی الطلب من اشعار العرب. تحقیق دکتر محمد نبیل طریفی. بیروت: دارصادر و للطباعة و النشر، ۱۹۹۹ م.
- ابن هشام. سیره النبی «ص». تحقیق محمد محیی الدین عبدالحمید. قاهره: مکتبه، محمدعلی صبیح و اولاده، بی تا.
- ابن هشام الانصاری، عبدالله. شرح شذور الذهب. تحقیق دکتر محمد یاسر شرف. لبنان: مکتبه لبنان، ۱۹۹۰ م.
- ابن هشام الانصاری، عبدالله جمال الدین. شرح فطرالتدی و بل الصدی. تحقیق محمد خیرطعمه حلبی. بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۸ هـ / ۱۹۹۷ م.
- الاصفهانى، ابی الخرج. کتاب الاغانى. بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ هـ / ۱۹۹۷ م.
- الأصمعی، عبدالملک بن قریب. الأصمعیات. تحقیق دکتر عمر فاروق الطباع. بیروت: شرکه دارالأرقم، ۱۴۱۶ هـ / ۱۹۹۵ م.
- الأعشى. شرح دیوان. تحقیق کامل سلیمان. لبنان: دارالکتب اللبنانی، بی تا.
- الآمدی، ابی القاسم الحسن بن بشر بن یحیی. المؤلف و المختلف. تحقیق عبدالستار احمد فراج. قاهره: دار الاحیاء و الکتب العربیه، ۱۳۸۱ هـ / ۱۹۶۱ م.
- الأمین، السید محسن. اعیان الشیعه. تحقیق حسن الامین. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، بی تا.
- الاندلسی، عبدره. المقدم الغریو. بیروت: مکتب تحقیق التراث و دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۶ هـ / ۱۹۹۶ م.
- البصری، صدرالدین علی بن ابی الفرج بن الحسن. کتاب الحماسه البصریه. تحقیق دکتر عادل

- جمال سليمان. قاهرة: وزارت اوقاف، ١٣٩٨ هـ / ١٩٧٨ م.
- التفتازاني، سعد الدين. شرح المختصر (على تلخيص المفتاح). خطيب قزويني. قم: انتشارات كتبي نجفی، بی تا.
- الثعالبي. التمثيل و المحاضرة. تحقيق عبدالفتاح محمد الحلو. قاهرة: دارالاحياء الكتب العربية، ١٣٨١ هـ / ١٩٦١ م.
- الجمعدى، النابغه. ديوان. تحقيق دكتور واضح الصمد. بيروت: دارصادر، ١٩٩٨.
- الدمشقي، امام الحافظ ابي الفداء اسماعيل بن كثير. البداية والنهاية. تحقيق على شيرى. بيروت: داراحياء التراث العربى، ١٤٠٨ هـ / ١٩٨٨ م.
- الدميرى، كمال الدين محمد بن موسى. حياة الحيوان الكبرى. تهران: ناصر خسرو، ١٣٦٤ هـش.
- الدفاع، محمد خليفه. التطبيقات النحويه على شواهد ابن عقيل. بيروت: دار النهضة العربية للطباعة والنشر، ١٩٩٧ م.
- الدولى، ابي الاسود. ديوان. تحقيق و شرح عبدالكريم الدجيلي. بغداد: بي تا، ١٣٧٣ هـ / ١٩٥٤ م.
- الرضى. شرح الرضى على الكافي. تحقيق يوسف حسن عمر. بي جا: جامعة قاريونس، ١٣٩٨ هـ / ١٩٧٨ م.
- الذمخشري الخوارزمي، محمود بن عمر. الكشاف. بيروت: دار احياء التراث العربى و مؤسسة التاريخ العربى، ١٤١٧ هـ / ١٩٩٧ م.
- السكرى، ابي سعيد الحسن بن الحسين. كتاب شرح اشعار الهذليين. تحقيق عبدالستار احمد فراج. قاهرة: مكتبة دار العربية، بي تا.
- السيوطى، جلال الدين عبدالرحمن بن ابي بكر. شرح شواهد المعنى. بي جا: لجنة التراث العربى، بي تا.
- الطبرسى، ابي على الفضل بن الحسن. مجمع البيان فى تفسير القرآن. بيروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ١٤١٥ هـ / ١٩٩٥ م.
- العسكري، ابو هلال. كتاب جمهرة الامثال. تحقيق و شرح محمد ابو الفضل ابراهيم و عبدالمجيد قطامش. قاهرة: المؤسسة العربية الحديثه، ١٣٨٤ هـ / ١٩٦٤ م.
- القرطبي، عبدالله محمد بن احمد الانصارى. الجامع الاحكام القرآن. بيروت: دار احياء التراث العربى، ١٤٠٥ هـ / ١٩٨٥ م.
- القزوينى، الامام الخطيب. الايضاح فى علوم البلاغة. تحقيق دكتور محمد عبدالمنعم خلفا. بيروت: الشركة العالميه للكتاب، ١٩٨٩ م.
- القيسى، ابي على الحسن بن عبدالله. ايضاح شواهد الايضاح. تحقيق دكتور محمد بن حمود الدعجاني. بيروت: دار الغرب الاسلامى، ١٤٠٨ هـ / ١٩٨٧ م.
- المبرد، محمد بن يزيد. الكامل فى اللغة و الادب. تحقيق محمد ابو الفضل ابراهيم. بي جا: دار الفكر العربى، ١٤١٧ هـ / ١٩٩٧ م.

- المرتضی، الشریف. أمالی المرتضی. تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم. بیروت: دارالکتب العربی، ۱۳۸۷ هـ/ ۱۹۶۷ م.
- المفضل بن محمد الضبی، ابی العباس. المفصلیات. تحقیق دکتر عمر فاروق الطباع. بیروت: شركة دارالأرقم، ۱۹۹۶ م.
- النویری، شهاب‌الدین احمد بن عبد الوهاب. نهاية الأرب فی فنون العرب. قاهره: مطبعة دار الکتب المصرية، ۱۳۴۲ هـ/ ۱۹۶۱ م.
- امرؤ القیس. دیوان. بیروت: دار بیروت: للطباعة و النشر، ۱۴۰۶ هـ/ ۱۹۸۶ م.
- بدیع یعقوب، امیل. المعجم المفصل فی شواهد النحویة الشعریة. بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۳ هـ/ ۱۹۹۲ م.
- بدیع یعقوب، امیل. معجم الشوارد النحویة و الفوائد اللغویة. دمشق و بیروت: دار المامون للتراث، ۱۴۱۱ هـ/ ۱۹۹۰ م.
- بنی اسد. دیوان، اشعار الجاهلیین و المخضرمین. تحقیق دکتر علی محمد دقة. بیروت: دار صادر، للطباعة و النشر، ۱۹۹۹ م.
- بنی عامر، مجنون. دیوان. تحقیق عرفان زکی درویش. بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ هـ/ ۱۹۹۴ م.
- جاحظ. المیان و الثبین. تحقیق دکتر درویش جویدی. بیروت: المكتبة العصرية و صیدا، ۱۴۲۰ هـ/ ۱۹۹۹ م.
- جرید. شرح دیوان. تحقیق تاج‌الدین شلق. بیروت: دار الکتب العربی، ۱۴۱۵ هـ/ ۱۹۹۴ م.
- حصوی، یاقوت. معجم الادباء. بیروت: دار المستشرق، بی تا.
- سالم مکرم، عبدالعالی. الشواهد الشعریة فی تفسیر القوطی. بی تا: عالم الکتب، ۱۴۱۸ هـ/ ۱۹۹۸ م.
- شریف، محمد باقر. الجامع الشواهد. اصفهان: چاپخانه محمدیه، بی تا.
- عزة، کنیز. دیوان. تحقیق قدری مایو. بیروت: دار الجیل، ۱۴۱۶ هـ/ ۱۹۹۵ م.
- طه، شیخ محمد علی. فتح القرب المجیب اعراب شواهد معنی اللیب. دمشق: مكتبة الرازمی، ۱۹۸۴ م.
- فیصل، شکری. ابوالعناهیة. مكتبة دار الملاح. دمشق: بی تا.
- محمد حسن شراب، محمد. معجم الشوارد النحویة و الفوائد اللغویة. دمشق و بیروت: دار المامون للتراث، ۱۴۱۱ هـ/ ۱۱۹۰ م.
- ناصر خسرو. دیوان. تصحیح مجتبی مینوی و مهدی محقق. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۳.